

هر جا خبری از محمدحسین میثاقی می‌شود، خیلی بعید است که یک نفر یاد عادل فردوسی‌پور نیفتد؛ مخصوصا که همه معتقدند میثاقی را فردوسی‌پور بزرگ کرد و باعث پیشرفت و شکوفاشدن او شد. حالا هم که فردوسی‌پور رفته است و برنامه‌ای ندارد، پرکاری میثاقی بیشتر توی ذوق می‌زند و انتقادهایی را هم به دنبال دارد. ماچرا از این قرار است که درست در زمانی که بازی‌های فوتبال بر گزار نمی‌شوند، دوشنبه شب‌ها، عادل فردوسی‌پور با «نود» دوست‌داشتنی‌اش نمی‌آید شبکه ۳ و کلی ناراضی فوتبالی تشنه به خون مدیر و مسئولان ذی‌ربط هستند، محمدحسین میثاقی در یک هفته برنامه فوتبالی اجرا و با حضورش در شبکه ۳، چشم مخاطبان را پر کرده است. گذشته از اینکه میثاقی خودش به تنهایی یادآور عادل است، این چنین رکوردشکنی‌هایی هم مخاطبان را به یاد عادل می‌اندازد؛ اینکه صداوسیمای وجود مجریان خوب بی‌بهره است و حالا مجبور شده است ۴ برنامه را به میثاقی بدهد و حالا میثاقی آن مجری سوغلی شبکه ۳ شده است که تا دلش بخواهد، برنامه و آنتن در اختیارش می‌گذارند. هفته گذشته هم با فوتبال برتر در شب‌های دوشنبه، سه‌شنبه، عصر چهارشنبه و پنجشنبه مهمان خانه فوتبالی‌ها

شد و هر بار هم با خودش مهمان ناخوانده‌ای همراه داشت که گویا به مذاق برخی فوتبالی‌ها خوش نیامده است. یک روز با فیروز کریمی، روز دیگر نیکبخت واحدی و بار آخر هم اکبر میثاقیان؛ چراکه اخیرا همه مهمانان

میثاقی استقلالی هستند و این موضوع باعث ایجاد حساسیت بین طرف‌داران پرسپولیس شده است. مثل کاربری که نوشته است: «میثاقی یکی از اون آدمایه که من واقعا دوستش داشتم ولی به‌خاطر استقلال دیگه خوشم

نمی‌آد ازش.» البته محبوب نبودن میثاقی به همان زمان رفتن عادل بین طرف‌داران پرسپولیس شده است. مثل کاربری که نوشته است: «میثاقی یکی از کاربران نوشته بود: «برای خودتون ارزش قائل نیستین، برای ادیسون خدابامرز ارزش قائل

همه گیری میثاقی، شیطنت نیکبخت

درباره محمدحسین میثاقی که این روزها مرد اول اجراهای ورزشی است



باشید و اون برقی‌رو که این بنده خدا کشف کرد صرف دیدن برنامه میثاقی نکنید.» البته در همان گیرودار بود که میثاقی تمام سعیش را کرد که موفقیتش را از عادل جدا کند و موقعتش را حفظ کند. مثلا قسمت‌های جدیدی به برنامه‌اش

اضافه کرد تا مشکلات فوتبال ایران را بررسی کند و اتفاقا در معرفی یکی از این ایتم‌ها به عادل هم کنایه زد و گفت: «تو این سال‌ها عادت کرده ایم به حاشیه‌ها بپردازیم و هروقت قرار بوده است درباره بحث‌های کارشناسی و ساختاری حرفی بزنیم، گفته ایم حتما در یک برنامه کارشناسی ویژه به آن می‌پردازیم ولی هیچ‌وقت وقت آن برنامه ویژه نرسیده است.» جمله‌ای که مردم از زبان عادل شنیده‌اند و یادآور او بود. یا اینکه سعی کرد در برنامه‌هایش از چیزهایی حرف بزند که به قول برخی از کاربران توئیتر، فردوسی‌پور هم جرئت پرداختن به آن‌ها را نداشت. از طرف دیگر کاربران طرف‌دار میثاقی هم با ترس و لرز از خوبی‌های او می‌گویند و برخی هم ترجیح می‌دهند برنامه او را ببینند ولی درمورد آن حرفی نزنند. مثل آن کاربری که ترس از گفتن این موضوع در توئیتش پیدا بود: «بگم از برنامه میثاقی و خود میثاقی خوشم می‌آد بلامک می‌کنید؟ درسته حق با شماس عادل یه نابغه بود ولی رفته و کاری هم از دست ما بر نمی‌آد. میثاقی هم دیگه ول نمی‌کنه برنامه‌ش رو، پس بیخیال شید و بشینید برنامه رو ببینید.» حالا محمدحسین میثاقی به شخصیتی تبدیل شده که محبوبیش برای مدیران صداوسیمای هم ضررش تمام شده است و احتمالا هرقدر هم دست‌وپا بزند تا از این موقعیت به نفع مخاطبان و فوتبال استفاده کند، به جایگاهی که عادل داشت نمی‌رسد.



محمدجواد ظریف
وزیر امور خارجه



در آستانه افتتاح مجلس یازدهم ضمن آرزوی موفقیت برای نمایندگان محترم مجلس جدید، لازم می‌دانم از همکاری، همفکری، حمایت و نقدهای مشفقانه خواهان و برادران گرامی در مجلس دهم سیاست‌گذاری نموده و برای همه آن‌ها آرزوی توفیق بیشتر نمایم.

نقش برجسته ریاست محترم مجلس، برادر ارجمندم جناب آقای دکتر لاریجانی، که با درایت و تدبیر در همه عرصه‌ها و به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی منشأ خدمات فراوان به کشور و مردم هوشیار ایران بودند بسیار ارزشمند و بی‌نظیر بوده است. از خداوند منان مزید توفیقات این بزرگ مرد فداکار، ایران دوست، خردورز، دوراندیش و کاردار نامستل دارم.



رضارفعی
مجرى



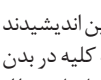
الان بیش از ۳ ماه آژگار است که کل جهان درگیر این ویروس کووید ۱۹ هستند که اگر مبارزه نمی کردند، ای بسا کووید ۲۰ شده بود تا الان!

در این مدت، فرضیه‌های مختلفی از سوی مراکز مختلف جهانی یا اشخاص حقیقی و حقوقی در راستای رمز گشایی از همه گیری این ویروس لعنتی مطرح شده و گاهی تا این حد که انگار فلسفه خلقت کر و نا فقط به خاطر کشور ما بوده است!

برای تحلیل درست و در مان این فرضیه ها الان مجالش و حالش نیست. بعد ها که ان شاء... این بیماری کورش را کم کند برود. یا که واکنسن آن بالاخره کشف شود و گرد و غبار های خبری کمی بخوابد، فرصت بهتر و بیشتری برای واکاوی و ارزیابی میزان صحت و سقم این پیش فرض ها و انگاره های بعضا حدس و گمانی است. به قول سعدی کرو ناندید، اما واقع بین و رتال اندیش: حقیقت سرائی است آراسته هوا و هوس، گرد برخاسته نبینی به جایی که برخاست گرد نبیند نظر، گر چه بیناست مرد؟ الان آب کمی گل آلود است. نباید آب را بیشتر گل کرد. توصیه سهراب عارف مسلک نیز همین است. یا اینکه اصلا اسم کووید ۱۹ هم به کوشش نخورده بود!

به شرارت افتخار کن!

علیرضا نیکبخت واحدی با حضور در برنامه دورهمی با سری بلند از دروغ‌هایش صحبت کرد!



۵۰۰ سال قبل از میلاد در آتن، عده‌ای به این اندیشیدند که برای دفع شر از جامعه چیزی به مثابه کلیه در بدن انسان که خون را پالوده می‌کند بسازند تا جامعه را از کج رفتن باز دارد. راهی که آنان اندیشیدند نمایش دادن شر روی صحنه بود و هر چند وقت یکبار آتنی‌ها برای پالایش و تزکیه روح، تراژدی می‌دیدند و حس دلسوزی و شفقتی را که در آنان برانگیخته می‌شد کاتارسیس می‌نامیدند. حالا در این روزگار ما در جغرافیا و تاریخی دور و دیر نسبت به آتن ۵ قرن پیش از میلاد باز هم مشغول نمایش شریم اما این بار تماشاچای با تماشای خون و خشونت و ناراستی، روحش ارضا نمی‌شود و شکلی از پند گرفتن و تنبه هم در آن نیست تا به این نمایش شر وجه مثبتی بدهد. این روزها آدم‌ها خودخواسته و با برنامه‌ریزی قبلی و البته نه به صورت نمایشی که کاملا واقعی از خود و روزگارشان می‌گویند؛ آن‌هم نه از افتخارات و کارهای نیکسی که کرده‌اند و آثار نابی که به‌جا گذاشته‌اند؛ این روزها نام و نان در پندامی و کج‌روی است.

علیرضا نیکبخت واحدی ۲ شب پیش در دورهمی رو به روی مهران مدیری نشست و علاوه بر مقادیر

شایان توجهی تعریف‌از خود و ستایش تیپ و ظاهرش –که قبلا چیز مذمومی بود و مثل اینکه این روزها باعث اعتبار است– از این گفت که در زمان مربیگری براتکو ایوانکوویچ در تیم ملی و در دوره جام جهانی ۲۰۰۶ خود را به مصدومیت زده و به براتکو دروغ گفته است تا همراه تیم ملی به جام جهانی نرسد. البته اضافه کرد که چندبار دیگر هم از سفر با تیم ملی با همین روش خودداری کرده است. نیکبخت دلیل این کار را ترس از سفرهای طولانی اعلام کرد. یعنی او تمام سفرها به سایر نقاط دنیا را با تیم ملی و تیم‌های باشگاهی‌اش رفته است اما تا به جام جهانی رسیده ایم خودش را به مصدومیت زده اصلا هم بحث آماده نبودن و انتخاب نشدن در میان نبوده است.

البته این اتفاق اصلا جدید نیست. علی انصاریان هم که در ایام عید به دورهمی آمد رسما از کلاه گذاشتن سر چند تیم در زمان فوتبالش گفت و نه تنها آن لحظه با تشویق حضار و کف و سوت آنان و خنده‌های مدیری روبه رو شد که بعد هم این افاضات انصاریان باز تاب گسترده‌ای در فضای مجازی پیدا کرد و هیچ مشکلی هم برای او پیش نیامد.

بین نشان دادن شر در تلویزیون ما و نشان دادن شر بر صحنه تناتر ۲ فرق مهم وجود دارد. اول آنکه این افراد شخصیت‌های حقیقی هستند و نه بازیگران روی صحنه و هزاران جوان ممکن است به اشتباه از آنان الگو بگیرند. دوم اینکه این حرف‌ها هیچ‌گاه از سمت مجری برنامه یا اهالی رسانه تقبیح نمی‌شود و به عنوان برنامه سرگرمی و مدتی خندیدن در لا به‌های زیرین تیشه به ریشه اخلاق می‌زند. بعضی حرف‌ها مثل شمارند اما باید ده‌ها بار تکرار شوند: «عادی‌سازی شر باعث گسترش آن می‌شود!»

شهرامید



عاقبت فرار نکردن از دانشگاه!

خبر کوتاه بود و تکراری: یک میلیون و ۲۰۴ هزار نفر با مدرک دانشگاهی بیکار هستند. یک کار گروه تشکیل دادیم و در آن به بررسی راه‌های کاهش بیکاران دارای مدرک دانشگاهی پرداختیم. برخی از این راه‌کارها را با هم می‌خوانیم:

- به دانشجویان بعد از پایان تحصیلاتشان مدرک داده نشود. همانند قضیه کارت ملی که می‌گویند به خاطر نبود بدنه مخصوص کارت ملی، کارت ملی صادر نمی‌شود، به دانشجویان هم بگویم به خاطر نبود بدنه مخصوص مدرک دانشگاهی، مدرک دانشگاهی صادر نمی‌شود. این طوری بیکاران دارای مدرک کم می‌شوند.
- هیچ استادی حق نداشته باشد ۹ را ۱۰ بدهد. با این روش تعداد فارغ‌التحصیلان و در پی آن تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار کمتر خواهد شد.
- همان‌طور که ما یک سایت داریم و کسانی که بخواهند از یارانه انصراف دهند در آن ثبت‌نام می‌کنند، یک سایت هم داشته باشیم مخصوص انصراف از مدرک. مثلا کسی که مدرک کارشناسی دارد، آنجا از مدرکش انصراف می‌دهد. با این کار یک‌نفر بیکار با مدرک دانشگاهی از آمار کم می‌شود.
- به دانشجویان به جای وام دانشجویی، وام خرید تاکسی داده شود. این گونه آن دسته از دانشجویان که امکان مسافر کشی با ماشین پدرشان را ندارند هم این امکان را به دست می‌آورند که بعد از فارغ‌التحصیلی بیکار نشوند.
- همان‌طور که رانندگان ماشین‌های سنگین پشت کامیون‌ها و تریلی‌های خودشان نوشته‌اند عاقبت فرار از مدرسه، رانندگان تاکسی‌های اینترنتی هم پشت ماشینشان بنویسند عاقبت فرار نکردن از دانشگاه! با این روش انگیزه ورود به دانشگاه در بین افراد کمتر می‌شود.

کولری برای هیچ‌کس!

فریبا گودرزی، کارشناس سازمان هواشناسی درباره وضعیت جوی گفت: مثل ۲ روز گذشته دمای هوا در بیشتر مناطق کشور افزایش خواهد داشت.

حالا که سازمان هواشناسی خبر از گرم شدن هوا داده است یک سؤال در ذهن شهروندان نقش می‌بندد: چرا برخی راننده‌های تاکسی حتی در گرم‌ترین حالت ممکن هم کولر را روشن نمی‌کنند؟

به سراغ رانندگان رفتم و در این باره از آن‌ها پرسیدیم. جواب‌های آن‌ها را با هم می‌خوانیم:

راننده اول: شاعر گفته است: «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی». از آنجایی که هزینه‌های مسافرت این روزها خیلی بالاست، امکان پخته شدن برای قشر متوسط و ضعیف جامعه فراهم نیست. لذا من برای پخته شدن مسافران، کولر را خاموش می‌کنم تا مسافر حتی با یک سفر کوتاه درون شهری پخته و برشته شود و نیازی به سفر بسیار نباشد.

راننده دوم: روشن کردن کولر به خودی خود توقع مسافر را بالا می‌برد. اگر کولر را روشن کنیم، مسافر می‌گوید: «صدای ضبطت داره دیوار صوتی‌رو می‌شکنه. ضبط را خاموش کن.» اگر ضبط را خاموش کنیم، آن‌ها پروترو می‌شوند و می‌گویند: «حالا تاکسی‌متر را روشن کن.» خلاصه یک کولر روشن کردن مسیر زندگی ما را عوض می‌کند.

راننده سوم: شاید شما حواستان نباشد ولی من حواسم هست که دیوار استعمار کرونا، شمار در خانه بمانیم که‌رنج شده است. لذا با تبدیل فضای داخل تاکسی به سونای خشک، مسافران در دفعات بعدی با خودشان عهد می‌بندند تا پایان تابستان پا از خانه بیرون نگذارند و دیگر سوار تاکسی نشوند.

راننده چهارم: من در تاکسی تحلیل‌های مختلف اقتصادی و سیاسی ارائه می‌دهم اماحتی صدای کم کولر ماشین هم می‌تواند مانع شنیدن تحلیل‌های سیاسی از سوی مسافران باشد، لذا بنده با خاموش کردن کولر این فرصت را به آن‌ها می‌دهم تا بتوانند حرف‌های کارشناسی من را واضح و رسا بشنوند. شما قضاوت کنید، مسافر دانسته یا تاکسی پیاده شود بهتر است یا نادانسته؟ راننده پنجم: برای کاهش مصرف سوخت راه‌های زیادی هست، مثلا بررسی سنسور ورودی هوا، تنظیم سنسور اکسیژن، باز کردن و تمیز کردن شمع‌ها و همچنین تمیز کردن انژکتور. اما هیچ کدام از روش‌های کاهش مصرف سوخت، به اندازه خاموش کردن کولر راحت و کم‌هزینه نیست، لذا من هم از همین روش برای کاهش مصرف سوخت استفاده می‌کنم.

گاهی اوقات زندگی مثل یک تونل تاریک می‌ونه. تواین زمان فقط باید به راه رفتن ادامه بدی تا به جای بهتری برسی.

آواتار، آخرین پادافزار لورن مک‌مولن

گاهی اوقات توهم داشتن شادی می‌تواند واقعاً شادی بیافریند، بی آن‌که آدم خود متوجه باشد.

پس از تو جوجو مویز

با هم بشنویم شروع ناگهان کی خونده؟ علیرضا قربانی آهنگسازش

علیرضا افکاری ترانه‌اش از

حسین غیاثی سبکش چیه؟ احساسی و غمگین‌طور

